



از سفسطه تا تئوری خشونت!

مشابَهت‌سازی از آشوب‌های اخیر و حوادث مرتبط با شکل‌گیری جمهوری اسلامی از جمله اتفاقاتی است که در فضای رسانه‌ای ضدانقلاب و همچنین سلبریتی‌ها و جریان شبه روشنفکری دیده می‌شود. این اتفاق را می‌توان به عنوان یک راهبرد از سوی جریان متشدد آشوب‌طلب به صورت واضحی مشاهده کرد.

روزنامه ایران: در راستای همین مشابَهت‌سازی و سناریونویسی شبکه ایران اینترنشنال، سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص ویژگی‌های مردم انقلابی در سال 57 را روی تصاویری از آتش سوزی و خرابکاری‌های اخیر گذاشته و منتشر کرده تا وانمود نماید که اتفاقات اخیر از جنس مردم و حوادث ماه‌های پایانی انقلاب است. برخی سلبریتی‌ها نیز در همین پازل مشغول فعالیت هستند و تلاش دارند با تئوریزه کردن خشونت، جمهوری اسلامی ایران را متهم به استاندارد دوگانه کنند؛ به عنوان نمونه، یکی از بازیگران و کارگردانان سینما نیز در ویدیویی با نرمالیزه و عادی‌سازی قانون‌گریزی مطرح کرده است: «شما نمی‌توانید به آدمی که به محتوای قانون اعتراض دارد بگویید به قانون احترام بگذارد. تناقض و سفسطه همین جاست.

چرا می‌گوییم سفسطه؟ چون همه ما می‌دانیم مفهوم نافرمانی مدنی یعنی سرپیچی عامدانه از قوانین ظالمانه، یکی از ارکان اصلی همین حکومتی است که داریم در آن زندگی می‌کنیم. اشاره من به 15 خرداد 1342 است وقتی که آقای خمینی از مردم خواست به خیابان‌ها بریزند و از آن قانون سرپیچی کنند و همین‌طور 21 بهمن 1357 وقتی از مردم خواسته شد مقررات حکومت نظامی را نادیده بگیرند و شبانه به خیابان بیایند و همین منجر به پیروزی انقلاب شد. آقایان در تقویم ملی کشور من این دو روز را تعطیلی رسمی اعلام کردید. شما 40 سال است دارید مفهوم نافرمانی مردم را جشن می‌گیرید. حالا چه شد که وقتی همین مردم در اعتراض به قوانین شما به خیابان‌ها می‌ریزند و اعتراض می‌کنند شما قانون قانون

می‌کنید؟» اما این خط رسانه‌ای و ادعاهای مطرح شده خود انبوهی از مغالطه‌ها و بی‌اطلاعی‌ها را در خود جای داده است.

اول؛ جریان مقابل‌دستان پر از تهی دارد. آنها برای ترغیب مردم به از خودگذشتگی جهت ایجاد تغییر اساسی یا به سخنان نیروهای انقلابی متوسل می‌شوند یا از انگاره‌های مربوط به انقلاب اسلامی بهره می‌گیرند. این مهم به خوبی نشان می‌دهد که جریان برانداز از فقر تئوریک بهره می‌برد و تلاش دارد تا کاریکاتوری از اقدامات جوانان مؤمن انقلابی که یکی از بزرگترین انقلاب‌های قرن بیستم را رقم زده بودند به نمایش بگذارد. حال آنکه کارکرد آنها نشان از توهم بودن این ایده دارد.

دوم؛ نافرمانی مدنی یک روش سیاسی برای اعتراض به یک سیاست خاص در حکومت‌هاست و با براندازی متفاوت است. تنزل دادن نهضت آگاهانه و فرهنگی، مشروع و متکی به آموزه‌های دینی، مستقل از قدرت خارجی، بدون سلاح و غنی مردم برای تشکیل حکومتی اسلامی و تحولات رقم خورده منتهی به روزهای پیروزی انقلاب اسلامی گواهی بر بی‌اطلاعی از این ادبیات سیاسی توسط این بازیگر است.

سوم؛ مسیر اعتراض مدنی در کشورهای دموکراتیک تنها به اعتراضات مسالمت‌آمیز و تغییر قوانین در چهارچوب حکمرانی همان کشور معتقد منتهی می‌شود. نمایندگان افکار گوناگون در کشور ما صاحب تریبون هستند. روزنامه‌ها با تفکرات گوناگون و همچنین مطرح شدن سخنان همفکران این بازیگر کشورمان از برنامه‌های زنده صداوسیما گواهی بر همین مسأله است. آنها صراحتاً از لزوم تغییر برخی قوانین رسمی در تریبون‌های رسمی حاکمیت سخن گفته‌اند و استدلال‌های خود را بیان داشته‌اند. این افراد یا دارای رسانه یا احزاب رسمی هستند که هر چند سال یکبار کرسی‌های مهم سیاستگذاری در دستگاه مقننه و مجریه را به دست می‌گیرند یا فعالانی هستند که در احزاب و دانشگاه‌ها مشغول گفتمان‌سازی تفکرات خود هستند.

چهارم؛ کشور هر چند وقت شاهد اعتراضات گروه‌ها یا اصنافی از مردم است که به صورت مسالمت‌آمیز خواسته‌ها و اعتراضات خود را نشان می‌دهد و خواستار تغییر قانون یا اجرای قانون هستند. تجمع‌های متعدد بازنشستگان، معلمان، کودکان اسام‌ای، کارگران هفت‌تپه، کشاورزان اصفهانی و... نمونه همین مسأله است که اعتراضات مسالمت‌آمیز در کشور همواره وجود داشته و بسیاری از آنها حداقل در یک سال گذشته توسط مسئولان شنیده و حتی ترتیب اثر داده شده است. جالب آنکه در همه اعتراضات مدنی و معیشتی طی سال‌های اخیر، همین سلبریتی‌های هم‌نوا با آشوبگران، غایب بزرگ آن بودند و با مردم معترض همدردی نکردند.

پنجم؛ اینکه اساساً معنا قلب شود، آشوب نادیده گرفته شود، حافظان امنیت جامعه و امنیت اقتصادی کشور به هیچ انگاشته شود و از سوی دیگر این بی‌قانونی و نادیده گرفتن اکثریت ناراضی از آشوبگری، «مدنی» خوانده شود دو نتیجه بیشتر ندارد: آنکه گوینده برای تفسیر وقایع خود را به حماقت زده و ایضاً در مسأله ترویج آشوب مدنظر بیگانگان، به نحوی ذینفع است.

آخر؛ تفسیر نافرمانی «مدنی» از اغتشاشات اخیر و حتی تأمین دادن آن به همه کسانی که به یک قانون اعتراض داشتند تصویرسازی است که رسانه‌های بیگانه و برخی چهره‌ها در آن نقش داشتند. شعارهای رادیکال و بی‌ارتباط با مسأله فوت مرحومه امینی و حتی مسأله حجاب، نیز در همین جهت‌دهی براندازانه و تخریب‌گر از اعتراضات نهفته است که نشان می‌دهد چرا اعتراضات منحرف شده و اکنون روندی خشونت‌آمیز، رادیکال و همراه با خونریزی به خود گرفته است. این رویه و مشابهت‌سازی یک جریان

اعتراضی با جریان انقلابی برای سرنگونی رژیم وابسته پهلوی نه تنها خیانت به کسانی بود که به واقع به اجرای یک قانون اعتراض داشتند که حتی یک گل به خودی برای جریان مقابل بود. آنها خود به صراحت می‌گویند که نه به دنبال اعتراض که درصد براندازی حاکمیت هستند. توضیح آنکه نظام‌های سیاسی در برابر براندازان خودش باید چه آرایشی بگیرد هم از بدیهیات است.

انتهای پیام/

علی حق‌گو
فعال رسانه‌ای



علی حق‌گو

آشوب

اغتشاشات

سفسطه

دیدگاهی جهت نمایش وجود ندارد.

